



26
01
20

آشنبه

۰۶ بهمن ۱۳۹۸
۳۰۳۰ شماره ۱۴۴

یادداشت

علیرضا گرانیپایه

همین یک فوتبال را مدیریت نکنید!

● سخن گوی فدراسیون فوتبال اعلام کرده است هیچ مذاکره‌ای با دی بیاسی، مربی ایتالیایی، برای هدایت تیم ملی نداشته است و او اصلاً گزینه سرمربیگری تیم ملی ایران نیست ولسی پیر مرد شصت‌وسه‌ساله ایتالیایی در مصاحبه با رسانه‌های کشورش ادعا می‌کند: «تنها توافق بر سر برخی جزئیات باقی مانده، اما ما به هر حال، تا زمانی که قرارداد امضا نشود، هیچ کاری انجام نشده است.» اگر شما هم مثل ما از این همه تناقض گویی تعجب نکنید، اصلاً عجیب نیست. به هر حال، تجربه به ما نشان داده است گاهی مدیریت فدراسیون فوتبال سرمربی تیم ملی را با تصمیمات خلق الساعه یک نفر انتخاب کرده است. خوب، حالا چگونه باید به خبرهای رسیده از این مرجع رسمی اعتماد کنیم؟

● ۸۶۰ روز از آخرین حضور دی بیاسی روی نیمکت مربیگری فوتبال گذشته ولی نام او در ۲ ماه اخیر چند بار در رسانه‌های داخلی مطرح شده است. اول به عنوان گزینه جانشینی استراماچونی در استقلال و حالا هم برای حضور روی نیمکت تیم ملی کشورمان. به این ۲ مورد، پیشینه حضورش به عنوان یکی از گزینه‌های جانشینی برانکو در تابستان امسال برای هدایت پرسپولیس را هم باید اضافه کنیم! پیر مرد شصت‌وسه‌ساله ایتالیایی بعد از کسب ۳ پیروزی و ۶ شکست با لاوس اسپانیا در سال ۲۰۱۷، از این تیم اخراج شد و تا امروز بدون تیم مانده است. البته این روزها به کمک دللا‌ها و جریان رسانه‌ای که بدجور به دنبال حضورش در ایران هستند، در رسانه‌های ایرانی اسم و رسم پیدا کرده است.

● بارها در رسانه‌های مختلف مطرح شده است که با توجه به مشکلات بسیار زیاد مالی این روزهای فدراسیون فوتبال و دسته‌گل مالی‌ای که با قرارداد ویلموتس به آب دادند، گزینه خارجی برای هدایت تیم ملی بسیار بعید است. تنها گزینه احتمالی سرمربی خارجی برای هدایت تیم ملی اسکوتچیچ، مربی کروات موفق صنعت نفت آبادان، است. نام او هم فعلاً در حد یک گمانه‌زنی رسانه‌ای مطرح می‌شود و کسی بیش از این درباره‌اش حرف نزده است.

● دو سه روز هم از چهار پنج روزی که بهاروند در برنامه «فوتبال برتر» برای معرفی سرمربی تیم ملی مهلت خواست گذشته است ولی انگار برای مدیران فدراسیونی که با رفتن تاج دیگر هیچ چیز آن سر جایش نیست، نشستن روی سندی ریاست و رأی آوردن در مجمع ۲۵ اسفند مهم‌تر از هر چیز است. برانکو با عمان بست ولی ما هنوز دایمی و قلعه‌نویی را برای خالی نبودن عریضه در رسانه‌ها مطرح می‌کنیم! فعلاً همین.

● ماجراهای اخیر فوتبالی چند هفته گذشته را مرور کنید. ما یک نمونه ساده و البته مهمش را در بالا برایتان آوردیم. ماجرای دنباله‌دار انتخاب یک نام برای جانشینی ویلموتس در حالی که تیم ملی فوتبال برای رسیدن به مرحله نهایی مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ کار بسیار سختی پیش رو دارد. سوءمدیریت این روزهای ورزش کشورمان که با بحران‌های مختلفی از جمله مهاجرت پر تعداد ورزشکاران همراه بود، حالا یکی از دلخوشی‌های همیشگی مردم کشورمان را هم به تلخی کشانده است. اصلاً مگر قرار بود وزارت ورزش با صدها میلیارد تومان بودجه سالانه‌اش چیزی جز نشاط اجتماعی در جامعه ایجاد کند که حالا در انجام وظایف اولیه خودش هم ناتوان مانده است؟ شاید روزی به شوخی می‌گفتند: «لطفاً یک فوتبال را سیاسی نکنید. بگذارید ما دلمان به همین فوتبال خوش باشد.» ولی حالا باید جدی بگوییم که آقایان مدیر، لطفاً همین یک فوتبال را مدیریت نکنید. بگذارید تبعات سوءمدیریتان به همین یک مورد سرایت نکند!

با هم بشنویم؛ غرق گریه کی خوزه؟ اشوان ترانه و آهنگش از کیه؟ اشوان و آهنگش شمس و عاشقش پیده؟ غمگین، شکست عشقی طور



حاشیه‌های داغ یک کتاب‌سوزی

درباره ویدئوی سوزاندن یک کتاب پزشکی به دست یکی از مدعیان طب اسلامی

نیوسف انصاری

اینکه یک گروه مهاجم با هدف از بین بردن تاریخ و دستاوردهای یک سرزمین کتاب‌ها را بسوزانند برایم قابل تصور است اما اینکه یک نفر با ادعای ترویج علم، کتاب علمی دیگری را بسوزاند، آن قدر برایم دور از تصور بود که یک بار دیگر کلبی را که در فضای مجازی به دستم رسیده بود با صدای بلند تماشا کردم تا از چیزهایی که دیده و شنیده بودم مطمئن شوم. فردی به اسم عباس تبریزیان با شعار پایان دادن به طب شیمیایی و گسترش طب اسلامی، کتاب پزشکی «طب هارپسون» را آتش می‌زند. عجیب نبود که این ویدئو خیلی زود به سوزه داغ فضای مجازی تبدیل شود و واکنش‌های زیادی به دنبال داشته باشد، مخصوصاً که تبریزیان قبلاً هم با حرف‌ها و اظهار نظرهای جنجال‌های مختلفی ایجاد کرده است.

● از جاهلانده خواندن کتاب‌سوزی تا تقاضای ورود مراجع قضایی رسول جعفریان، پژوهشگر تاریخ اسلام و از منتقدان جدی افرادی که خود را داعیه‌دار طب اسلامی می‌دانند، جزو اولین افرادی بود که در کانال تلگرامی‌اش به ماجرای سوزاندن کتاب «طب هارپسون» واکنش نشان داد. جعفریان قبلاً مقالات متعددی درباره اینکه چرا چیزی به نام طب اسلامی نداریم نوشته ولی در یادداشت اخیرش بیشتر به نفس کار سوزاندن کتاب نقد داشته است. او در بخشی از یادداشتش نوشته است: «این اقدام همیشه کار افراد جاهل و افراطی بوده است، کسانی که به گناه در هیچ مدلی، چه از نوع کسروی با آتش زدن آثار ادبی چه این شخص، با آتش زدن یک کتاب علمی، در پیشگاه ملت فرهیخته ایران جایی نداشته‌اند و ندارند.» از آنجا که عباس تبریزیان لیس روحانیت به تن می‌کند و حتی اظرافایش او را آیتا... خطاب می‌کنند، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه هم به این ماجرا واکنش نشان داد و در بیانیه‌ای این عمل را منجرکننده توصیف و آن را محکوم کرد. همچنین اعلام کرد: «این گونه تفکرات و اقدامات در حوزه علمیه جایگاهی نداشته و انتسابی به حوزه و روحانیت ندارد.»

نمایندگان مجلس هم به این ماجرا واکنش نشان دادند. به طور مثال، فاطمه ذوالقدر، سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس، از کاربران هم نگران این کمیسیون بهداشت مجلس و دادگاه ویژه روحانیت خواست به این موضوع ورود کنند و انگیزه‌ها و صلاحیت‌های فردی و شغلی فرد کتاب‌سوز مدعی را خصوصاً در طب اسلامی را بررسی و گزارش آن را به مردم و مجلس ارائه کنند.

● داداش کتاب اشتباهو سوزوندی! کاربران فضای مجازی هم واکنش‌های



طرح: جمال خاشی/اندها شهرآرا

رد شده است ولی طب سنتی یک علم است که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. تبریزیان مروج طب اسلامی است که از سوی علمای رد شده است.»

● پدر طب اسلامی وارد می‌شود اگر فرد دیگری به‌جز عباس تبریزیان این کار را کرده بود، شاید واکنش‌ها این قدر گسترده نمی‌بود، ولی او که به دانشجوی رشته پزشکی بود نوشت: «تبریزیان وقتی کتاب‌ها رو می‌سوزوند می‌گفت خداقظلی با طب شیمیایی، یکی بهش بفهمونه، اشتباه سوزوندی! اون کتاب بیشتر تشخیصی بود! باید کاتونگ و درسامه درمان و جزوه‌های شیمی‌داریوی رومی سوزوندی!» کاربر دیگری نوشته بود: «ادم‌ها گاهی اون قدر غرق می‌شن توی کاری که می‌کنن که دنیاشون به همون اندازه کوچیک می‌شه. برای همین، از بیخ منکر باقی مسائل می‌شن.»

البته این وسط محدود کاربرانی هم بودند که در حمایت از طب اسلامی و ادعاهای تبریزیان توییت می‌نوشتند. یک گروه از کاربران هم نگران این بودند که بابت رفتارهای تبریزیان و امثال او که کلمه «طب اسلامی» را برای توجیه رفتارهایشان غلم کرده‌اند «طب سنتی» که حالا به صورت آکادمیک هم درآمده است آسیب ببیند. «با خواندن توییت‌ها متوجه شدم هنوز عددهای نمی‌دانند طب اسلامی با طب سنتی تفاوت دارد. طب اسلامی بارها توسط مراجع عظام تقلید و جامعه پزشکی

علمش به هلند برود و آخر کار هم گفته است «تفاقم من هم شوهر ندارم!» تا به هر طریقی شده این «ظرفیت علمی» را به کشورش ببرد. تبریزیان مدعی است مدرک دانشگاهی هم دارد، دانشگاهی در هلند که گویا آن هم جعلی از آب درآمده است. از این دانشگاه تنها یک سایت وجود دارد و آن را هم فردی به نام جان‌علی کامطی، از روحانیون پاکستانی که علاقه زیادی به طب اسلامی دارد، راه‌اندازی کرده است.

علاوه بر این‌ها با داغ شدن ماجرای کتاب‌سوزی عباس تبریزیان، تصاویری از سوله‌های غیربهداشتی این فرد و وضعیت فاجعه‌بار داروهای که در آنجا می‌ساخته در فضای مجازی و کانال‌های خبری منتشر شده است.

● دکانی به نام طب اسلامی طب اسلامی پدیده‌ای است که به تازگی در حوزه سلامت وزن پیدا کرده است. افرادی پیدا شده‌اند که با تحریک اعتقادات مذهبی، دستورهایی پزشکی عجیب و گاه مضر به مردم می‌دهند و از آن‌ها برای داروهای دست‌سازشان هزینه‌هایی هنگفت دریافت می‌کنند. ردپای این افراد را می‌شود در کانال‌های تلگرامی، اینستاگرام و حتی تلویزیون دید، موضوعی که معاون وزیر بهداشت هم به آن اشاره کرده است. علیرضا رئیسی در بیانیه‌ای رسمی گفت: «از دخالت جاهلانده در درمان صدها بیمار مبتلا به سرطان و بیماری‌های مزمن تا توصیه به خوردن نمک در هنگامه سیسج ملی «کنترل فشار خون» از تریبون صداوسیما خط نفوذی برای به تاراج بردن ایمان و اعتماد آحاد ملت مسلمان ایران و ضربه زدن به شأن و جایگاه روحانیت شکل گرفته است. در این برهه وظیفه خود می‌دانیم به تمامی مراجع دینی، دانشگاهی و قضایی هشدار دهیم در برابر چنین اقدامات سخیف و جاهلانده‌ای بایستند و واکنشی درخور از خود نشان دهند.»

نکته عجیب اینجاست که خود عباس تبریزیان بعد از سوزاندن آن کتاب پزشکی، از موضعش کوتاه نیامده است و افراد منتقد به این انتقال را مافیای دارو خطاب کرده است. یک پزشک به این ماجرای پر حاشیه واکنشی خلاقانه نشان داد و خطاب به وزیر بهداشت نوشت: «تقاضا دارم با توجه به عدم توانایی طب جدید در درمان ویروس جدید تنفسی، جناب آقای تبریزیان را که مدعی درمان تمام بیماری‌ها به روش خاص خودشان هستند، به شهر وهوان چین اعزام فرمایید تا گره از مشکلات مردم جهان توسط «دانشمندان» باز شود. مطمئن هستم که با توجه به «دانش والا»ی ایشان خودشان هم از این موضوع استقبال خواهند کرد. تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد!»



تصویری از سوله و داروهای غیربهداشتی که تبریزیان می‌ساخته و سال قبل در محدوده جاده کلات کشف و بلیمب شده است

کارتون شهر

مجید ادیبی

هر سیگار یک شلیک به سلامتی است

عکس تو عکس

ساخت بیمارستان در یک چشم به هم زدن



چین می‌خواهد در یک هفته بیمارستانی هزار تخت‌خوابی برای بیماران آلوده به ویروس کرونا بسازد. مساحت بیمارستان جدید ۲۵ هزار متر مربع خواهد بود و ده‌ها دستگاه بیل مکانیکی در محل ساخت‌وساز مشغول پاک‌سازی محل‌اند. تصاویر این ساخت‌وساز عظیم مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفته است. چینی‌ها قبلاً هم یک بار در شهر یکن در مدت ۷ روز یک بیمارستان هزار تخت‌خوابی ساخته بودند.

صف طولانی برای تهیه ماسک



عکس‌های داغ از چین فقط مربوط به ساخت‌وسازهای سرعشان نیست. از دیروز تصویری از صف خرید ماسک در مقابل داروخانه‌ای در شهر شانگهای چین به دلیل شیوع ویروس کشنده کرونا در فضای مجازی داغ شده است. عجیب اینجاست که بیشتر افراد حاضر در صف، ماسک روی صورت دارند و مشخصاً برای ذخیره ماسک و از ترس طولانی شدن دوره شیوع بیماری به داروخانه‌ها هجوم آورده‌اند که ترس غلطی هم نیست.

طوفان ملخ در کنیا



هجوم بی‌سابقه ملخ‌ها به مراتع و مزارع در سراسر شرق آفریقا امنیت غذایی کشورهای این منطقه را به خطر انداخته است. کشورهایی که از فقیرترین کشورهای جهان هستند. کنیا یکی از کشورهای است که هدف این ملخ‌ها قرار گرفته است و این بدترین حمله ملخ‌ها به کنیا در ۷۰ سال اخیر است. تصاویر حمله ملخ‌ها بسیار تکان‌دهنده است. ملخ‌ها در گروه‌های چندمیلیونی به مزارع حمله می‌کنند و همه چیز را می‌خورند. گفته می‌شود در هر یک کیلومتر مربع، ۸۰ میلیون ملخ حضور دارد و طبیعی است که این تعداد انبوه بتواند محصولات غذایی را نابود کند.

شترنج با چراغ خاموش



در مسابقات بین‌المللی شترنج جبل الطارق که بازیکنان ایران هم حضور دارند، اتفاق جالبی رخ داد. دور سوم این مسابقات در حال انجام بود که حین بازی و در پی قطعی برق، کار به استفاده از آباژورهای باتری‌ای و نور چراغ تلفن همراه کشید. در این مسابقات، یک ساعت و ۷ دقیقه برق سالن قطع بود.

جنجال ترانه کودکانه



تصویر شعری با محتوایی جنسیت‌زده و در یکی دو روز گذشته در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود و انتقادات بسیاری را به دنبال داشته است. نکته عجیب اینجاست که مصطفی رحماندوست این شعر را سروده است. این عکس از کتابی با عنوان «ترانه‌های نوازش» گرفته شده که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۸۵ منتشر کرده و به تازگی در فضای مجازی داغ شده است.